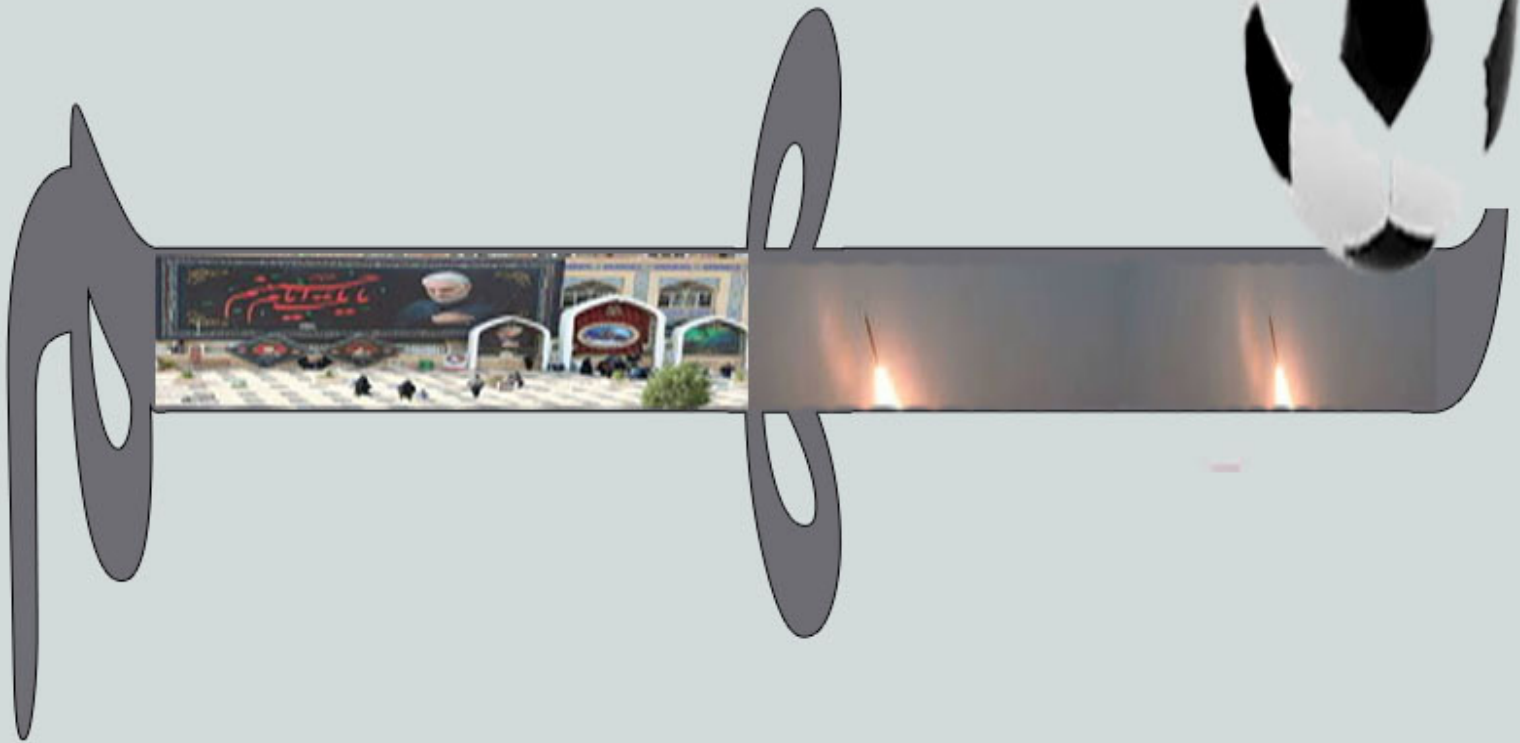


# جلسه



# فرهنگ، هنر ما

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: یاسر اصلانی  
روابط عمومی: فاطمه محمودی  
تحریریه: سهیلاسادات حسینی، فاطمه محمودی، یاسر اصلانی

## ماه نامه سایس من

«فرهنگی - هنری»

وابسته به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی



وب سایت: [www.sayesman.ir](http://www.sayesman.ir) [www.totayar.ir](http://www.totayar.ir)

@sayes\_man



@totayar.ir

@nashre.tahkim.khanevade



@totayar



طراح جلد و صفحه بندی: فؤاد

رایان نامه [totayar@iran.ir](mailto:totayar@iran.ir)

[Iea.iran@iran.ir](mailto:Iea.iran@iran.ir)

ماهنامه «سایس من» با وابستگی به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی، رسالت خود را در حوزه ی فرهنگ و هنر دنبال می کند. از این رو نام سایس به معنای «ادب آموزنده» را برای خود انتخاب کرده است. تا این سؤال را مدام از خود بپرسد که چه کسی به من ادب آموخت؟. سایس من کیست؟



**با عضویت در انجمن تعلیم و تربیت اسلامی زندگی خود را سامان دهید.**

**انتشارات تحکیم خانواده تولید کننده محتوای استاندارد زیر نظر انجمن**

## بیانات در دیدار خانواده سردار شهید حاج قاسم سلیمانی



سم الله الرحمن الرحيم

خدا را شاکریم که اجر دنیوی شهید سلیمانی را جلوی چشم ما هر روز دارد به این شخص بزرگ و به این شخصیت برجسته اهدا میکند. آنچه شما ملاحظه میکنید، این بسط و نشر اسم و یاد ایشان، اجر دنیایی این بزرگوار است؛ اجر اخروی را اصلاً ماها تصوّرش را نمیتوانیم بکنیم و نمیتوانیم بفهمیم که چیست؛ این اجر دنیایی است. من تصوّر میکنم از روزی که ایشان شهید شده تا امروز، اسم شهید سلیمانی و یاد شهید سلیمانی و خصوصیات از شهید سلیمانی، چندین برابرِ زمانِ حیاتش در بین مردم دارد منتشر میشود. این همان حرفی است که یک وقتی کسی گفته بود که «شهید سلیمانی» از «قاسم سلیمانی» برای ما خطرناکتر است! [این را] آن طرفهای مقابل گفته بودند؛ راست گفتند، واقعاً همین جور است. یعنی نه فقط غبار فراموشی بر چهره‌ی این شهید ننشسته، بلکه روزه‌روز جلوه‌اش بیشتر شده، نورانیتش بیشتر شده، وضوحش بیشتر شده و ان شاء الله بیشتر هم خواهد شد. این لطف خدا است.

این [ناشی از چیست؟ به گمان من علتش اخلاص شهید] سلیمانی است؛ یعنی آن چیزی که ماها در آن غالباً مشکل داریم. کار انجام میگیرد، [ولی] روح کار، اخلاص است؛ کارهای این شهید، به معنای واقعی کلمه این روح را داشت؛ یعنی واقعاً با اخلاص کار میکرد؛ این را ما که با ایشان در کارهایش معاشر بودیم میفهمیدیم. در کارش خودنمایی نبود، تظاهر نبود، منیت نبود؛ برای خدا کار میکرد، برای خدا حرکت میکرد. به نظر من این اخلاص است که این اجر دنیوی را این جور نمایان کرده. این را ما در مورد امام هم مشاهده کردیم؛ امام هم همین جور بود. روز سوّم یا چهارمِ دفنِ امام بود که در مرقد ایشان — که آن وقت هنوز هیچ چیزی هم نبود؛ یک حصار کشیده بودند — یک جلسه‌ی بزرگی بود، ما هم میرفتیم آنجا و من با هلیکوپتر میرفتم؛ همین طور که به این بیابان نگاه میکردم — حالا آن قسمت ساخته شده، [اما] آن روزها غالباً بیابان بود — من دیدم این جمعیت همین طور با پای پیاده دارند میروند! چه کسی اینها را میبرد؟ چه جاذبه‌ای است که اینها را میکشد به آنجا؟ من گفتم این اخلاص امام است که دارد اینها را این جور میکشاند و میبرد. این شهید عزیز ما هم همین جور؛ با اخلاص بود.

حالا این خانم (۲) گفتند به ما یک نصیحتی بکنید؛ خیلی خوب، همین نصیحت: در کارهایتان اخلاص داشته باشید؛ یعنی نگذارید شائبه‌ی منیت در انگیزه‌های شما و در کارهای شما دخالت کند؛ اخلاص یعنی فقط برای خدا [کار کردن]. آنجایی که می‌بینید شائبه‌ی منیت است، پس بکشید؛ یعنی انسان کار را ترک کند، بهتر از این است که کار را برای دیده شدن انجام بدهد. این یک نکته است؛ نکته‌ی اخلاص در ایشان.

یک نکته در مورد ارزش کاری شهید سلیمانی — که خوب

دارد، ان شاءالله ادامه پیدا کند. [

خداوند ان شاءالله شماها را حفظ کند، خانم (۴) را محفوظ بدارد؛ ایشان هم در جهت گیری و انگیزه‌ی شهید سلیمانی نقش دارند. شاید بیست سال پیش یا بیست و سه چهار سال پیش [بود که] اینجا در این حیاط، با بچه‌های سپاه، فرماندهان سپاه — شاید حدود بیست نفر بودند — نماز خواندیم، بعد من نشستم روی پله، یک صحبت گرم و گیرایی کردم؛ قبلاً هم فکرش را نکرده بودم؛ خدای متعال همین‌طور حرف میزد! در واقع زبان من بود، حرف خدا بود؛ خیلی جلسه‌ی عجیبی بود، خیلی تأثیراتی گذاشت. بعد از آن جلسه، چند نفر از بچه‌ها به من مراجعه کردند، یکی از آنها حاج قاسم بود؛ آمد یک جمله‌ای از ایشان نقل کرد، گفت عیال من این‌جوری میگوید؛ در همان جهتی که من صحبت کرده بودم. من دیدم تأثیر همسر چقدر زیاد است؛ یعنی این خانم روی حاج قاسم مؤثر بودند؛ [لذا] ایشان در زحمات حاج قاسم شریکند، علاوه بر اینکه محرومیت‌های خانواده‌ها — نبودن همسر، نبودن پدر — خیلی مهم است، تحمّل این چیزها خیلی مهم است؛ تحمّل کردند.

ان شاءالله خداوند به شماها اجر بدهد، توفیق بدهد، همه‌ی شما را حفظ کند. ان شاءالله موفق و مؤید باشید.

۱) در ابتدای این دیدار — که در آستانه‌ی چهارمین سالگرد شهادت شهید سپهبد قاسم سلیمانی برگزار شد — خانم زینب سلیمانی (فرزند شهید سلیمانی) گزارشی از کارهای فرهنگی و هنری انجام گرفته برای انتقال خصلت‌های شهید به نسل جوان بیان کرد.

۲) یکی از اعضای خانواده شهید سلیمانی

۳) سردار اسماعیل قآنی (فرمانده نیروی قدس سپاه

۴) همسر شهید سلیمانی

خیلی در این زمینه‌ها حرف زدند و میزنند، و این نکته] باید مورد توجه قرار بگیرد — نقش شهید سلیمانی در احیای جبهه‌ی مقاومت در منطقه است. البته این را اگر کسی بیان میکند، باید درست بیان کند. شهید سلیمانی نقش مهمی در زنده کردن جبهه‌ی مقاومت در منطقه دارد؛ خیلی نقش دارد. یک وقت یک گروه مقاومتی در یک منطقه‌ای هستند، خب بله، این قبل از شهید سلیمانی هم بود؛ [اما] یک وقت یک جبهه به وجود می‌آید؛ ما همیشه این را میخواستیم. چون طرف مقابل جبهه‌بندی میکند، این طرف هم باید جبهه‌بندی کند. خب الان اگر این جبهه نبود، غزه نمیتوانست این‌قدر مقاومت کند. این جبهه‌ی مقاومت، به همه‌ی اطراف قضیه قدرت میدهد. اگر چنانچه چهار واحد با هم متحد بشوند، پنج واحد با هم متحد بشوند، زورشان و قدرتشان بیشتر از پنج برابر یک واحد است؛ یک هویت جدیدی به وجود می‌آید؛ آن هویت جدید خیلی مهم است. شهید حاج قاسم سلیمانی در این قضیه خیلی نقش داشت، خیلی کار کرد. مردم حضور او روی کوه‌های سوریه و نترسیدنش و رفتنش به استقبال خطر را می‌بینند؛ خب این خیلی مهم است، اما اهمیت اصلی مال این است که همین رفتن‌ها، همین حضورها، همین تلاشها توانست این جبهه را احیا کند، زنده کند، تقویت کند.

خداوند ان شاءالله درجاتش را عالی کند. [ایشان] با تدبیر، با سیاست، با عقل، با اخلاق، با تحرّک و تلاش تمام‌نشده‌ی این کار را دنبال میکرد و این بسیار مهم بود و مهم است؛ امیدواریم ان شاءالله ادامه پیدا کند. البته آقای قآنی (۳) حقاً و انصافاً خوب دارد حرکت میکند؛ حرکت ایشان خیلی خوب است الحمدلله. بایستی همین خطّ تقویت جبهه‌ی مقاومت که شهید در این زمینه خیلی فعال بود و خیلی شاخص است و رتبه‌ی خیلی بالایی در این قضیه



••••• @totayar.ir اينستاگرام @sayes\_man

••••• @totayar سروش و اينتا و آي گپ

••••• تلفن: ۷۷۸۴۹۸۴۹

••••• [www.totayar.ir](http://www.totayar.ir)

••••• [www.sayesman.ir](http://www.sayesman.ir)

•••••

مادر شش شهیدند؛ سه پسرشان در یک حادثه، سه پسر دیگرشان در یک حادثه‌ای دیگر [به شهادت رسیدند و این زن مثل کوه صبر کرده و مدتها زندان و سختی‌های فراوان را تحمل کرده. از آن خانم فلسطینی (۲) که اینجا ویدئوشان را مشاهده کردیم، تشکر میکنم؛ از کسانی که دست‌اندرکارند میخواهم که تشکر ما را به ایشان برسانند و خداقوت بگویند و بگویند که من همیشه، هر شب، مرتباً برای آنها دعا میکنم.

مطالبی که در اینجا مطرح شد مطالب بسیار خوبی بود؛ یعنی واقعاً اگر من الان هیچ صحبتی نکنم و به همان حرفهایی که این خانمها اینجا زدند اکتفا کنیم، این جلسه بهره‌ی خودش را برده؛ هم در مورد ورزش، هم در مورد مسائل حقوقی زنان، هم در مورد هنر دینی، هم در مورد نگرانی از تهدیدهای فضای مجازی و هوش مصنوعی، هم برای مسئله‌ی نخبگان کشور در بخشهای مختلف و برنامه‌ریزی برای آنها، هم قدردانی از مادران و زنان خانه‌دار، هم آنچه در مورد وضع بد فضای مجازی گفته شد، هم در مورد پزشکان زن و رعایت مریضهای زن در بیمارستان‌ها، همه‌ی این مطالبی که گفته شد مطالب درستی بود. گله‌گزاری‌ها و شکوه‌ها و احیاناً پیشنهادهای باید به ما داده بشود؛ کار ما نیست، کار مسئولین دولتی است، اما درعین حال ما سفارش میکنیم، تأکید میکنیم و از مسئولین میخواهیم که اینها را ان شاء الله دنبال کنند؛ امیدواریم که این اتفاق بیفتد.

این جلسه به مناسبت نزدیکی ایام ولادت صدیقه‌ی کبری [فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) تشکیل شده؛ من چند جمله در مورد ایشان عرض میکنم، بعد هم مطالبی را در مورد مسئله‌ی زن یادداشت کرده‌ام، به قدری که حالا وقت باقی مانده، مختصراً عرض میکنم.

## بیانات رهبری در دیدار اقشار مختلف بانوان



بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقيه الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید خانمهای عزیز، خواهران، دختران، فرزندان خود من؛ همه‌ی شما فرزندان ما هستید، و سازندگان ایران فردا، دنیای فردا، شماها هستید. این جلسه، جلسه‌ی خیلی پرمغز و مفیدی بوده تا این لحظه. من تشکر میکنم از همه‌ی کسانی که برنامه اجرا کردند. از این دختران عزیزی که سرود خواندند تشکر میکنم؛ هم سرودشان خوب بود — یعنی مضمون شعر خوب بود — هم آهنگشان خوب بود و بسیار خوب اجرا کردند. از قاری محترم تشکر میکنم. از مجری محترم و خوش‌بیان و خوش‌زبان تشکر میکنم. از همسران شهدا، مادران شهدا، فرزندان شهدا که در این جمع حضور دارند، صمیمانه تشکر میکنم و به همه‌ی آنها اظهار ارادت میکنم. از خانم زکزاکی که اینجا صحبت کردند، من تشکر میکنم. ایشان

خلافت؛ یعنی همه‌ی اینها الگو است. و مهم این است که همه‌ی این عظمتها، همه‌ی این فعالیتها، همه‌ی این سرمشق‌ها، در یک عمر کوتاه انجام گرفته: حداکثر ۲۵ سال؛ سنّ فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) را از ۱۸ سال تا ۲۵ سال نقل کرده‌اند. این الگو است؛ دختران ما، زنان ما، بانوان عزیز جامعه‌ی اسلامی ما سعی کنند با همین روحیه، با همین انگیزه دنبال فاطمه‌ی زهرا حرکت کنند؛ هم در امر خانه‌داری، هم در امر فعالیت اجتماعی و سیاسی، هم در حکمت و دانش — که البته در مورد آن بزرگوار الهام الهی بود، در مورد ما و شما کسب‌کردنی است؛ شما که تلاش بکنید، البته الهام الهی هم کمک خواهد کرد — در همه‌ی بخشها آن بزرگوار را الگو قرار دهید و قرار بدهیم و دنبال کنیم. این چند جمله راجع به آن بزرگوار.

و اما درباره‌ی مسئله‌ی «زن». خوب، شماها بحمدالله همه دانا و تحصیل کرده و مطلع از مسائل گوناگونی هستید که در اسلام در مسئله‌ی «زن» مطرح است؛ خیلی نیازی نیست که من بگویم، درعین حال چند جمله‌ای من عرض میکنم.

در مسئله‌ی «زن»، هم بحث هویت زنانه و هویت زن، هم ارزشهای زن، هم حقوق زن، هم تکالیف زن، هم آزادی‌های زن، هم محدودیتهای زن، هر کدام موضوع مسائل بسیار مهم و تعیین‌کننده است. امروز با نگاه کلی که به دنیا نظر کنیم، [می‌بینیم] دو جهت‌گیری، دو رویکرد، در همه‌ی این زمینه‌ها وجود دارد: یک رویکرد، رویکرد رایج متداول غربی است که در کشورهای غیر غربی هم رواج پیدا کرده — در همه‌ی زمینه‌هایی که ذکر کردم — یک رویکرد هم رویکرد اسلامی است؛ این دو در مقابل هم قرار دارند، دو جریانند و هر کدام در پاسخ به این مسائل و سؤال در

در مورد حضرت سیده‌ی نساء العالمین، سیده‌ی نساء اهل الجنّة — که درباره‌ی فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) وارد شده — هر کدام از مطالبی که چه پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، چه امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام)، چه بقیه‌ی ائمه‌ی درباره‌ی این بزرگوار گفته‌اند، همه شاهد عظمت غیر قابل اندازه‌گیری این بانوی عظیم‌الشأن است؛ یعنی واقعاً عظمت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) را با هیچ انسانی، جز همان اهل‌بیت پیغمبر و خود رسول‌الله و اولادش نمیشود مقایسه کرد؛ مقام ایشان خیلی عظمت دارد. من فقط یک حدیث را عرض میکنم که خوب بارها شنیده‌اید؛ حدیثی است که هم شیعه نقل کرده، هم سنی نقل کرده. آن [حدیث] این است که «إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا»؛ (۳) برای سَخَط و خشم فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) خدای متعال خشمگین میشود، و به خاطر خشنودی فاطمه‌ی زهرا خدای متعال خشنود میشود. معنایش این است که هر انسانی، هر مسلمانی، اگر بخواهد خدا را خشنود بکند، باید کاری بکند که فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) را خشنود کند. توصیه‌های آن بزرگوار، درسهای آن بزرگوار، جهت‌گیری آن بزرگوار، عواطف آن بزرگوار، اگر ملاحظه شد، رعایت شد، مراعات شد، خدای متعال خشنود میشود. بالاتر از این، واقعاً چه فضیلتی انسان میتواند فرض کند برای یک انسان، چه زن و چه مرد؟

به نظر من، زن مسلمان الگویی بهتر از فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) نمیتواند پیدا کند، [بلکه] هیچ زنی در دنیا نمیتواند الگویی بهتر از او پیدا کند. چه در دوران کودکی‌اش، چه در دوران نوجوانی‌اش، چه در دوران جوانی‌اش، چه در خانواده، چه رفتارش با پدر، با همسر، با فرزندان، با کارگر داخل خانه‌اش، چه رفتارش در عرصه‌ی اجتماع، در مسئله‌ی سیاست، در مسئله‌ی

مورد این مسائل نظری دارند. [لذا] میتوان در همه‌ی این زمینه‌ها بحث کرد و به پاسخ رسید، منتها یک نکته‌ای در اینجا وجود دارد که این نکته به نظر من نکته‌ی قابل توجهی است و آن، این است که نظام فرهنگی و تمدنی غرب، در این مسائل حاضر به مباحثه نیست، از ورود در بحث و تحقیق فرار میکند. فرهنگ غربی، نظام غربی - نظام تمدنی و نظام فرهنگی غربی - در مورد بسیاری از سؤالات در این زمینه‌ها جلو نمی‌آید که بحث بکند؛ مسئله را با جنجال و هوچی‌بازی و استفاده‌ی از هنر و سینما و زور و فضای مجازی و مانند اینها پیش میبرد؛ آن نظر خودش را، رویکرد خودش را - منطق که ندارند - با ابزارهای مختلفی که در اختیار دارد پیش میبرد؛ حاضر نیست بحث کند، حاضر نیست به سؤالاها جواب بدهد. علت هم این است که غرب هیچ منطقی ندارد؛ این رفتار روزبه‌روز بدتر و سخیف‌تری که امروز در زمینه‌ی مسائل زن، در غرب رایج است و به تبع غرب در بسیاری از کشورهای دیگر، هیچ منطقی پشت سرش نیست؛ لذا وارد بحث نمیشوند، حاضر نیستند منطق ارائه کنند.

چرا در محیط‌های غربی، روزبه‌روز بی‌مبالاتی زن در حفظ حرمت و شخصیت زنانگی خودش بیشتر میشود و حرمت زن روزبه‌روز بیشتر شکسته میشود؟ چرا در مجالس رسمی‌ای که در اروپا و در آمریکا برگزار میشود، زن میتواند حتی با پوشش نیمه‌عریان در این جلسات رسمی شرکت کند اما مرد بایستی با لباس کامل، کراوات هم بزند یا پاپیون هم بزند و شرکت کند؟ چرا؟ چرا زن آن‌چو میتواند بیاید، [اما] اگر چنانچه مرد در مجالس رسمی مثلاً فرض کنید با شلوارک بیاید، خلاف آداب عمل کرده؟ علت چیست؟ زن با مینی‌ژوپ بیاید اشکال ندارد، اما اگر لباس این [مرد] یک خرده سبک باشد اشکال دارد؛ چرا؟ چرا در محیط‌های غربی روزبه‌روز فحشا

و روسپی‌گری بیشتر دارد ترویج میشود؟ این اتفاق دارد می‌افتد. چرا هم‌جنس‌بازی به عنوان یک شیوه‌ی مترقی شناخته میشود که اگر کسی انکار کرد، به عنوان یک فکر عقب‌افتاده، یک شخص عقب‌افتاده، یک ملت عقب‌افتاده تلقی میشود؟ چرا؟ هم در محیط‌های سیاسی ترویج میشود، [هم در] محیط‌های اجتماعی ترویج میشود؛ رؤسای جمهور، مسئولان کشورها آن را ترویج میکنند و بعضی‌ها افتخار میکنند که ما این‌جوری هستیم! چرا؟ این چه منطقی دارد؟ چرا در محیط‌های بی‌مبالات غربی، مسائل جنسی سه‌جانبه یا چهارجانبه - طبق آمارهایی که خودشان میدهند و اطلاعاتی که در اختیار ما هست و میدانیم؛ اطلاعات پنهانی نیست، اطلاعات آشکار است - روزبه‌روز افزایش پیدا میکند؟ همه‌ی چیزهایی که خانواده را منهدم میکند، روزبه‌روز در غرب دارد افزایش پیدا میکند. همه‌ی این چیزها منهدم‌کننده‌ی اساس خانواده است؛ آزادی جنسی و افراط در گسترش تعرضات جنسی، خانواده را منهدم میکند. من چند سال قبل از این، (۴) از کتاب یکی از رؤسای جمهور آمریکا (۵) نقل کردم؛ آمارها به معنای واقعی کلمه وحشت‌زا است؛ آمار تعرضات جنسی، آمار بی‌بندوباری‌ها. و تعرض جنسی مجازات ندارد، مجازات نمیشوند، اما حجاب مجازات دارد! یک ردلی، یک لاتی، یک زن باحجاب را آزار بدهد، بعد به دادگاه کشیده بشود، در دادگاه آن زن را چاقو بزند و بکشد، این اشکالی ندارد! (۶) حالا مثلاً یک مدتی زندانی به آن آدم رذل میدهند، اما این مبارزه‌ی با حجاب و مقابله‌ی با حجاب مطلقاً به عنوان یک کار زشت تقبیح نمیشود؛ چرا؟ اینها سؤالات بی‌جواب است، اینها را جواب نمیدهند، [چون] منطقی وجود ندارد. از یک ایرانی، مثلاً یک مسئول ایرانی که در فلان مجمع بزرگ اروپایی یا آمریکایی شرکت کرده، میپرسند آیا شما با هم‌جنس‌بازی موافقت، اگر بگویند نه، او را هُو میکنند! علتش چیست؟



برخورد اسلام درست بعکس است؛ برخورد اسلام برخورد منطقی است، برخورد استدلالی است، بیان واضح و روشن است در این زمینه. مسئله‌ی «زن»، در اسلام، یکی از نقاط قوت اسلام است؛ این را به شما عرض بکنم. بعضی خیال نکنند که ما درباره‌ی مسائل مربوط به زن باید بنشینیم پاسخگو باشیم؛ نه، اسلام در همه‌ی بخشهای مربوط به زن، منطق محکم و قوی و پشتوانه‌ی عقلانی دارد؛ چه آنجایی که مسئله‌ی جنسیت را نفی میکند، چه آنجایی که مسئله‌ی جنسیت را برجسته میکند، در همه‌ی اینها منطق وجود دارد.

اسلام در یک مواردی بکلی جنسیت را نادیده میگیرد؛ بحث، بحث زن و مرد نیست، مسئله‌ی کرامت انسان است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (۷) اینجا مسئله‌ی جنسیت مطرح نیست. ارزشهای انسانی در زن و مرد یکسان است و در نسبتِ ارزشی او با جنس مرد، مطلقاً جنسیت مطرح نیست: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (۸) تا آخر؛ «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ» (۹) تا آخر آیه‌ی سوره‌ی احزاب. همه‌ی اینها پیش خدای متعال در مراتب عروج معنوی یکسانند؛ یعنی مطلقاً نه این بر او ترجیح دارد، نه او بر این ترجیح دارد؛ هر دو با استعداد مشابه در این راه قرار داده شده‌اند و به همتشان بستگی دارد؛ زنهایی هستند که هیچ مردی به پای آنها نمیرسد. بنابراین، جنسیت مطرح نیست.

البته در همین زمینه‌های معنوی، یک جاهایی بالخصوص و به دلیل خاصّی، خدای متعال جنس زن را ترجیح داده؛ مثل همین آیه‌ای که تلاوت کردند: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ» (۱۰) در قضیه‌ی حضرت موسی، انسانهایی هستند که در رابطه‌ی با موسی □

این چه منطقی دارد؟ پاسخی وجود ندارد؛ یعنی غرب برای رفتار خودش با مسئله‌ی «زن» و مسائل مربوط به زن و آن رفتاری که نسبت به جامعه‌ی زنان دارد انجام میگیرد، هیچ منطقی پشت سر کارهایش نیست و لذاست که از بحث، از گفتگو، از مباحثه در این زمینه‌ها فرار میکنند.

عرض کردم که رویکرد خودشان را با ابزارها پیش میبرند، در این کارها هم قشنگ واردند: فیلم درست میکنند، کتاب مینویسند، مقاله مینویسند، پول میدهند، شخصیت‌های هنری، فرهنگی و سیاسی و غیره را وادار میکنند که حرف بزنند؛ مراکز بین‌المللی را درست میکنند — مراکز مربوط به زنان — و این سازمانهای به اصطلاح بین‌المللی هر کشوری را که با رویکرد آنها مخالف باشد، نمره میدهند، داوری میکنند و در قعر جدول قرار میدهند.

خب، حالا حرف در این زمینه‌ها زیاد است و بنده هم در این مقوله‌ها خیلی صحبت کرده‌ام. دیروز یک کتابی برای من آوردند که صحبت‌هایی بود که خود بنده کرده بودم، چاپ شده بود، ندیده بودم؛ نگاه کردم دیدم خیلی از حرفهایی که آماده کرده بودم و میخواستم امروز اینجا بگویم، در آن کتاب هست و قبلاً بارها گفته شده؛ در این زمینه‌ها زیاد صحبت کرده‌ایم. من در یک کلمه عرض میکنم که خلاصه‌ی حاصل و ملخص سیاست و رویکرد تمدن غربی در مبحث بسیار مهم و حیاتی «زن»، در دو عامل خلاصه میشود: «سودجویی» و «لذت‌جویی» که حالا هر کدام یک شرحی دارد. راجع به همین «سودجویی» هم من یک وقتی صحبت کرده‌ام که حالا دیگر مجال نیست حرف بزنم. خب، این برخورد غرب در مسئله‌ی «زن» است.

سلوک معنوی، در عروج معنوی و الهی، در ارزشهای واقعی انسانی، جنسیت هیچ‌گونه نقشی ندارد، مگر یک مواردی ترجیح یکی بر دیگری که این هم ترجیح زن بر مرد است؛ تا آنجایی که من دیده‌ام، غیر از این موردی را ندیده‌ام. اینجا آن جاهایی است که جنسیت منتفی است.

در اصل مسئولیتهای اجتماعی هم همین جور است. امام (رضوان الله علیه) در یک جایی گفتند که دخالت در سیاست و در مقدرات اساسی کشور وظیفه‌ی زنان و تکلیف زنان است؛ حقّ زنان و تکلیف زنان است؛ (۱۳) یعنی واجب کردند که زنها بایستی در مقدرات کشور و وظایف اساسی کشور دخالت کنند و وارد بشوند، که خب خود این یک فصل طولانی‌ای دنبالش دارد؛ یعنی در این زمینه‌ها بین زن و مرد هیچ تفاوتی وجود ندارد.

در پرداختن به امور جامعه: مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمَّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ (۱۴) اینکه فرمودند «لَيْسَ بِمُسْلِمٍ»، یعنی چه زن باشد، چه مرد باشد. شما صبح که میکنید، زن خانه‌دارید، زن کارمندید، زن شاغلید، زن صنعتگرید، هر کاری میکنید، باید به فکر جامعه باشید؛ یعنی اهتمام داشته باشید که جامعه در چه وضعی است. حالا چقدر بتوانید کمک کنید و نقش ایفا کنید، این فرق میکند؛ افراد هر کدام یک نقشی میتوانند ایفا کنند، اما این اهتمام همگانی است؛ این پرداختن، اهتمام داشتن، به فکر بودن، همگانی است. در اینجا هم جنسیت نقشی ندارد. یا همین «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ»؛ (۱۵) این خانمی که الان صحبت کردند، گفتند که ما در قضیه‌ی فلسطین و در قضیه‌ی غزه راهمان بسته است، و الا میتوانستیم بیایم. حالا مثلاً فرض کنید این خانم که پزشک است، میتوانست آنجا باشد و به معالجه‌ی بیماران، مجروحین، کودکان و زنان بپردازد. هر کسی یک نقشی

بخصوص نام برده شده‌اند و ذکر خاص شده‌اند؛ جناب هارون هست، حضرت خضر هست، آن رفیق و همراه حضرت موسی<sup>۱</sup> هست؛ چند نفر هستند که به طور خاص در قرآن از آنها یاد شده، اما در مورد هیچ کدامشان این تعبیر به کار نرفته که الگو است؛ «مَثَلٌ» یعنی نمونه و الگو. خدای متعال برای همه‌ی انسانهای مؤمن دو زن را الگو قرار داده؛ یکی زن فرعون است، یکی حضرت مریم است: وَ مَرِيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا. (۱۱) خب اینجا خدای متعال به دلیلی خود موسی<sup>۱</sup> را به عنوان مَثَل و نمونه‌ی مؤمنین ذکر نکرده، زن فرعون را — که نامادری حضرت موسی<sup>۱</sup> است — ذکر کرده؛ خود حضرت عیسی<sup>۱</sup> را ذکر نکرده، مادر او را ذکر کرده. این یک نوع ترجیح دادن و رجحان دادن زن است، به دلایلی، که دلیلش هم به نظر من روشن است؛ چون در جنس مرد، به خاطر شرایط مادی و جسمانی‌ای که دارد و خصوصیتی که وجود دارد، یک حالت برتری‌طلبی‌ای هست؛ بخصوص در دورانی که قرآن نازل شده، این جور بوده؛ خدای متعال میخواهد این را نفی کند: این حرفها چیست؟ چون مثلاً صدایش کلفت‌تر است، چون قدش بلندتر است، چون چهارشانه‌تر است، ارزشش بیشتر است؟ نه، بایستی از همین زن، از این بانو پیروی کند و او را الگوی خودش قرار بدهد. یا در یک روایتی [هست که] یک مردی می‌آید پیش پیغمبر و عرض میکند: مَنْ أَرَبُّ؟ بیشتر به چه کسی نیکی کنم؟ حضرت میفرماید: أُمُّكَ؛ (۱۲) به مادرت. بعد میپرسد: بعدش چه کسی؟ پیغمبر میفرماید بعدش هم مادرت؛ دفعه‌ی سوم میپرسد خب حالا بعدش چه کسی؟ باز میگوید مادرت؛ یعنی سه بار پیغمبر مادر را میگوید. بعد آن پسر میپرسد بعدش چه کسی؟ میگوید بعد پدرت؛ یعنی مادر سه مرتبه جلوتر از پدر است. خب، این نشان‌دهنده‌ی جایگاه زن در خانواده است دیگر؛ این برای تأکید این معنا است. یعنی این را میخواهم بگویم که در

کند؛ چهاردیواری خانه محلّ آسایش و امنیت است. اگر رفتار شوهر جوری باشد که زن را از این احساس امنیت محروم کند، زن احساس ناامنی کند، شوهر بددهنی کند یا بسیار بدتر و فجیع‌تر، دستش را به کار بیندازد، این مطلقاً قابل قبول نیست. راهش چیست؟ راهش قوانین سخت است؛ من بارها این را گفته‌ام. (۱۷) باید قوانین سختی [وضع شود]. اشاره‌ای کردند به قانونی که در مجلس هست؛ خب اینها حتماً باید دنبال بشود. ما هم سفارش میکنیم، شماها هم خودتان دنبال کنید. بایستی مجازات سختی متوجه مردی بشود که در داخل خانه برای زن محیط ناامن به وجود می‌آورد؛ در بیرون خانه هم همین جور. این، یک مسئله.

یک مسئله، مسئله‌ی مشاغل اجتماعی و مدیریتهای است که این را بعضی از خانمها از من سؤال کردند. اینجا هم مسئله‌ی جنسیت مطرح نیست. در مدیریتهای گوناگون، مشاغل گوناگون اجتماعی و دولتی، حضور زنان هیچ محدودیتی ندارد. حالا مثلاً فرض کنید آمریکایی‌ها به یکی از این کشورهای همسایه‌ی ما الزام کرده بودند که بایستی زنها در محیط اداری مثلاً ۲۵ درصد حضور داشته باشند؛ الزامی، اجباری؛ غلط است. چرا ۲۵ درصد؟ خب ۳۵ درصد، خب ۲۰ درصد. این عدد معین کردن، نسبت معین کردن، معنی ندارد؛ اینجا ملاک، شایسته‌سالاری است. یک جا هست که یک بانوی باسواد مجرب کارآمد مثلاً برای وزارت بهتر از این مردی است که در این زمینه نامزد وزارت شده؛ این زن باید وزیر بشود. در مورد نمایندگی مجلس هم همین جور است. مثلاً فرض کنید در فلان شهر، یک نفر یا دو نفر نماینده‌ی مجلس لازم است؛ یک نفر یا دو نفر زن، یک نفر یا دو نفر مرد معین شده‌اند، [باید دید] کدام شایسته‌ترند، باید شایستگی را نگاه کرد. هیچ ترجیحی اینجا وجود ندارد، هیچ محدودیتی

دارد، اما اصل این اهتمام، اصل این وظیفه و احساس مسئولیت، عمومی است، زن و مرد ندارد. اسلام اینها را مشخصاً بیان کرده؛ اینها چیزهایی است که در اسلام روشن است و اینها را بیان کرده.

اما در وظایف خانوادگی، البته نه؛ در وظایف مربوط به خانواده وظایف یکسان نیست، هر کدام یک نوع وظیفه‌ای دارند. امکانات، ظرفیتهای جسمی، ظرفیتهای روحی، به هر کدام یک وظیفه‌ای را محوّل میکند؛ اینجا جنسیت نقش دارد. اینکه شعار «برابری جنسیتی» به طور مطلق میدهند، غلط است. برابری جنسیتی در همه جا [معتبر] نیست؛ در یک جاهایی بله، برابری هست، اما در یک جاهایی هم برابری نیست، و نمیتواند باشد. آنچه درست است «عدالت جنسیتی» است؛ «عدالت جنسیتی» در همه جا معتبر است. «عدالت» یعنی هر چیزی را در جای خود قرار دادن. ساخت روحی زن، ساخت جسمی زن، ساخت عواطفی زن، اقتضای یک مسائلی را میکند. فرزندآوری، فرزندداری و دامان پرورش فرزند، کار زن است؛ از مرد این کار بر نمی‌آید، و خدای متعال او را برای این کار خلق نکرده؛ او برای یک کار دیگر است؛ کار بیرون خانه، کار [رفع] مشکلات خانه. اما در حقوق خانوادگی یکسانند: وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ (۱۶) یعنی همان قدر که مرد در خانواده حق دارد، زن همان اندازه در خانواده حق دارد؛ این آیه‌ی قرآن است. پس در حقوق خانوادگی یکسان، اما در وظایف خانوادگی نه. البته یک چیزهایی هست که بایستی در مورد زن بیشتر رعایت بشود که در صحبت‌های این خانمها هم بعضی بود، من هم یادداشت کرده‌ام.

مثل [مسئله‌ی امنیت زنان؛ امنیت در درون خانواده. زن] بایست در کنار مرد احساس آرامش کند، احساس امنیت

هم در این زمینه‌ها وجود ندارد؛ یعنی نظر اسلام این است. بحث، بحث شایسته‌سالاری است.

البته زن در این مشاغل میتواند حضور پیدا کند، اما بایستی جوری باشد که از آن مشغله‌ی مهمّ اساسی زنانه، یعنی خانه‌داری و فرزندآوری، محروم نشود؛ حتی در بعضی از مشاغل که برای زنان واجب کفائی است، مثل پزشکی. پزشکی زنان واجب است؛ تا حدّی که پزشک زن به قدر کفایت وجود داشته باشد، باید زنها پزشکی بخوانند. همچنین مثلاً معلّمی بانوان یک واجب کفائی است. خب حالا ممکن است یک وقتی این واجب کفائی [تعارض پیدا کند] با مسئله‌ی خانه‌داری یا فرزندآوری یا استراحتها و مرخصی‌هایی که برای یک زن خانه‌دار لازم است یا ساعات کاری که او بتواند کار را انجام بدهد و مثلاً به کار خانه هم برسد؛ اگر چنانچه در این زمینه‌ها تعارضی به وجود آمد، مسئولین کشور هستند که بایستی برای این فکر کنند؛ یعنی آن‌قدر تعداد را افزایش بدهند که اگر چنانچه این معلّم که مثلاً فرض کنید بایستی در هفته پنج روز در مدرسه شرکت کند، من باب مثال چهار روز میتواند شرکت کند، خلأ به وجود نیاید؛ معلّم دیگری وجود داشته باشد که آن خلأ را پُر کند؛ همین‌طور مسئله‌ی پزشکی. بنابراین، در مشاغل، در مدیریتهای، در کارهای اساسی، در کارهایی که واجب کفائی برای زنان است، محدودیّتی وجود ندارد و اگر چنانچه تعارضی با کارهای خانگی زنانه به وجود آمد، باید به یک نحوی این را حل کرد که نه این زمین بماند، نه آن. البته به نظر بنده منافات هم ندارند؛ من می‌شناسم بانوانی را که کارهای اجتماعی سنگین داشتند — چه کار دانشگاهی و علمی، چه کارهای غیر علمی — چندین فرزند هم بزرگ کردند، تربیت کردند، خیلی هم خوب توانستند این کار را انجام بدهند. بنابراین، اینها منافاتی با همدیگر ندارند.

دو نکته‌ی مهم در نگاه اسلام هست؛ یعنی اینکه عرض کردیم راه باز است برای بانوان در همه‌ی زمینه‌ها — فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و غیره — در کنار دو نکته‌ی مهم است که اسلام روی این دو نکته حسّاس است: یک نکته مسئله‌ی خانواده است که اشاره کردم، یک نکته مسئله‌ی خطر جاذبه‌ی جنسی است؛ خطر جاذبه‌ی جنسی! اسلام روی این حسّاس است. اسلام از اینکه محیط و فضا جوری باشد که لغزشگاه جاذبه‌ی جنسی — که یکی از لغزشگاه‌های بسیار خطرناک است — زن را یا مرد را دچار مشکل بکند، ما را پرهیز میدهد؛ باید مراقبت داشت.

و حجاب در این زمینه است؛ مسئله‌ی حجاب یکی از چیزهایی است که میتواند در خطر جاذبه‌ی جنسی محدودیّت ایجاد کند؛ از این جهت در اسلام روی مسئله‌ی حجاب تأکید شده. در سوره‌ی احزاب، در دو جا، مسئله‌ی حجاب [بیان میشود]: *وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ*؛ (۱۸) کسانی که میروند خانه‌ی پیغمبر، مثلاً فرض کنید مهمانند و یک غذایی میخواهند بگیرند، با زن پیغمبر مواجه نشوند، از پشت پرده [بگیرند]؛ یعنی این دقّت شده. همچنین در آیه‌ی دیگری از سوره‌ی احزاب هم همین معنا وجود دارد.

بنابراین، این دو حسّاسیّت باید رعایت بشود: هم مسئله‌ی حجاب بایستی به معنای واقعی کلمه رعایت بشود، هم مسئله‌ی خانواده و حضور در خانه و نقش «مادری» که مهم‌ترین نقش است. شاید بتوانم بگویم در مجموعه‌ی خلقت بشر، نقش «مادری» برترین نقشها است؛ برای خاطر اینکه اگر چنانچه «مادری» نباشد، فرزندآوری نباشد، بارداری و شیردهی نباشد، اصلاً نسل بشر منقرض میشود؛ بنابراین، «مادری» مهم‌ترین نقش در عالم خلقت

همین جمهوری اسلامی، قابل مقایسه‌ی با قبل نیست؛ در علم، در تحقیق، در فعالیت‌های اجتماعی، در هنر، در ورزش در همه‌ی کارها؛ این همه زن دانشمند، این همه زن استاد دانشگاه، این همه زن فاضل، این همه زن نویسنده در انواع مختلف نگارش‌ها؛ نگارش علمی، نگارش هنری، نگارش داستان‌نویسی، شعر و امثال اینها. ما در قبل از انقلاب، یک‌دهم این را هم نداشتیم؛ بنده کاملاً در محیط اجتماعی [حضور داشتیم و میدانم]. امروز بحمدالله در این زمینه‌ها کشور غنی است و این به برکت اسلام است؛ با اینکه گفتم جمهوری اسلامی همچنان یک کشور اسلامی نیمه‌کاره است و ما هنوز نتوانسته‌ایم اسلام را به طور کامل پیاده کنیم؛ اگر پیاده کنیم، این [توانایی‌ای] که امروز داریم چندین برابر خواهد شد و بمراتب بهتر خواهد شد.

من در آخر صحبت‌م اشاره کنم به مسئله‌ی انتخابات. در این قضیه‌ی انتخابات — که من چند روز قبل هم تأکید کردم روی این مسئله (۱۹) — شما بانوان و خانم‌های عزیز میتوانید نقش ایفا کنید. مهم‌ترین نقش شما هم در داخل خانه است؛ مادرها میتوانند نقش ایفا کنند، وادار کنند فرزندان را و همسر را برای اینکه در زمینه‌ی انتخابات فعال باشند و درست تحقیق کنند. زنها در برخی از مسائل شناخت اشخاص و راهبردها و جریانها، دقیق‌تر و ظریف‌تر از مردها نگاه میکنند و نقاطی را پیدا میکنند؛ [لذا] در شناخت نامزدهای انتخاباتی، در حضور در پای صندوقها، هم در داخل خانه و هم در خارج خانه میتوانید نقش ایفا کنید.

از دیدار شما [خیلی خوشحالم؛ یک مقدار هم طول] کشید و ظهر گذشت؛ ان‌شاءالله که همه‌ی شما موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

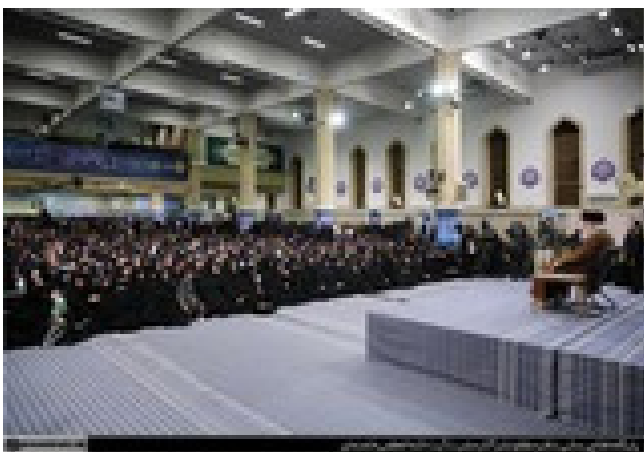
و در عالم وجود مادی انسان است. اسلام به این اهمّیت میدهد؛ [شما نیز] به این اهمّیت بدهید، این را دنبال کنید؛ آن نکته‌ی جاذبه‌ی جنسی را هم همین‌طور.

خیلی از کارها هم با تفاهم انجام میگیرد. بعضی‌ها خیال میکنند کار کردن در خانه وظیفه‌ی زن است؛ نه، وظیفه‌ی زن مطلقاً این نیست که در خانه کار کند. غذا پختن، رخت شستن، تر و تمیز کردن وظیفه‌ی زن نیست؛ مرد و زن باید با هم تفاهم کنند. حالا بعضی از مردها خوشبختانه این کارها را میکنند و در خانه کار میکنند، به زن کمک میکنند، متصدّی بعضی از کارهای خانه میشوند. به‌هرحال، این جزو وظایف زن نیست؛ این را همه بدانند.

این مسئله‌ی سنّ ازدواج هم که در آثار اسلامی تأکید میشود که سنّ ازدواج خیلی بالا نرود و جوانها زودتر ازدواج نکنند، به خاطر همین مسئله‌ی جلوگیری از خطر تهدید جاذبه‌ی جنسی است. البته این به معنای ازدواج کردن کودکان نیست که حالا مطرح میکنند؛ نه، جوان، نوجوان، مرد، زن، دختر و پسر، هرچه بتوانند بوقت و به‌نگام ازدواج کنند، از نظر اسلام مطلوب‌تر است و برای خودشان هم البته خیلی بهتر است، برای جامعه هم خیلی بهتر است. بنابراین، اگر به مسئله‌ی حجاب نگاه میکنیم، به عنوان یک چیزی که وسیله‌ی محرومیت زن است نگاه نکنیم؛ این محرومیت نیست، این در واقع یک برخورداری است؛ حجاب امنیت‌آور است، موجب امنیت میشود، موجب حفظ میشود.

الان در داخل جمهوری اسلامی، با اینکه ما هنوز نتوانسته‌ایم به معنای واقعی کلمه «اسلامی» بشویم — من بارها این را گفته‌ام؛ ما اسلامی نیمه‌کاره هستیم — درعین حال شما ملاحظه میکنید که پیشرفتهای زنان در

- در جمع بانوان قم (۱۳۵۷/۱۲/۱۳)  
 (۱۴ کافی، ج ۲، ص ۱۶۳ (با اندکی تفاوت)  
 کافی، ج ۲، ص ۱۶۴ (۱۵  
 ۱۶) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۲۸  
 (۱۷) از جمله، بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان  
 (۱۴۰۱/۱۰/۱۴))  
 (۱۸) سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۵۳  
 (۱۹) بیانات در دیدار جمعی از اقشار مختلف مردم  
 استانهای کرمان و خوزستان (۱۴۰۲/۱۰/۲)



- (۱) در ابتدای این دیدار — که در آستانه‌ی سالروز ولادت حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) و روز زن برگزار شد — ده نفر از زنان و دختران به بیان دیدگاه‌ها و پیشنهادهای خود پرداختند.  
 (۲) خانم اسراء البَحیصی (خبرنگار شبکه‌ی العالم) به صورت ویدئویی از غزّه مطالبی بیان کرد.  
 امالی مفید، ص ۹۵ (۳)  
 (۴) بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده‌ی کشور  
 (۱۳۹۳/۱/۳۰)

(۵) «تقاضایی برای اقدام»، نوشته‌ی جیمی کارتر  
 (۶) اشاره به کشته شدن مروه شربینی در تیرماه سال ۱۳۸۸؛ وی که یک زن مصری ساکن آلمان بود، توسط هجده ضربه‌ی چاقوی یک آلمانی روس‌تبار به نام الکس وینز، که قبلاً از وی به دلیل توهین شکایت کرده بود، در دادگاه کشته شد.

(۷) سوره‌ی اسراء، بخشی از آیه‌ی ۷۰؛ «و برآستی ما  
 ... فرزندان آدم را گرامی داشتیم»

(۸) سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۷۱؛ «و مردان و زنان باایمان، دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و امی دارند و از کارهای ناپسند بازمی‌دارند...»

(۹) سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۳۵؛ «مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان باایمان، و مردان و زنان عبادت‌پیشه...»

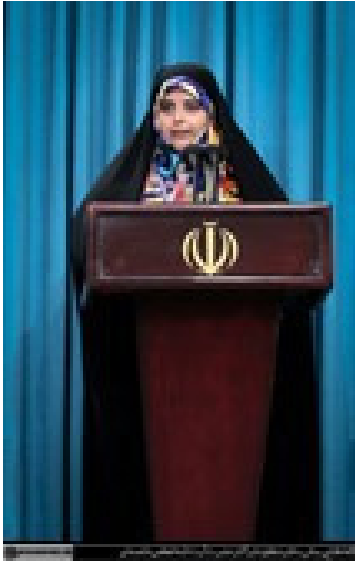
(۱۰) سوره‌ی تحریم، بخشی از آیه‌ی ۱۱؛ «و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، خدا همسر فرعون را مثل آورده...»

(۱۱) سوره‌ی تحریم، بخشی از آیه‌ی ۱۲؛ «و مریم دختِ عمران را، همان کسی که خود را پاکدامن نگاه داشت...»

(۱۲) کافی، ج ۲، ص ۱۵۹

(۱۳) از جمله، صحیفه‌ی امام، ج ۶، ص ۳۰۱؛ سخنرانی









# ميدان امام حسين «ع»: تشييع پيكر شهيد مدافع حرم: سيد رضى موسوى

عكاس: سهيلا سادات حسيني



## خنجر یمنی در جشنواره فیلم عمار

سهیلا سادات حسینی: چهاردهمین دوره جشنواره مردمی فیلم عمار که زنگ افتتاحیه‌ی آن در بیست و یکم دی ماه ۱۴۰۲ به صدا درآمد. از روز بیست و دوم با اکران در سینما فلسطین تهران و اکران‌های مردمی در شهرها و اماکن مختلف و نیز اکران آنلاین، پذیرای علاقمندان بود تا اینکه سوت پایانش با برگزاری اختتامیه و معرفی برندگان هر بخش در روز بیست و نهم زده شد. این دوره از جشنواره با حضور میهمانانی از کشور یمن مزین به جایزه‌ی خنجر یمنی گردید که برای نخستین بار به حسن وزیرزاده کارگردان مستند قانده بازی تعلق گرفت.

## فته بدتر و بالاتر از قتل

سهیلا سادات حسینی: سال‌ها پیش مردم با دیدن تیزر، پوستر، تبلیغات و یا نام یک بازیگر در فیلم یا سریال برای دیدن محتوای آن، لحظه‌ای درنگ نمی‌کردند. زیرا بر این باور بودند که اگر فلان شخص به ایفای نقشی بپردازد؛ قطعاً شاهد اثری ارزشمند خواهند بود. اما دیری نپایید که مردم با پدیده‌ی تبلیغات و تفکرات پشت آن آشنا شده و به تماشاگرانی انتخابگر و هوشمند بدل گردیدند. طوریکه پیش‌بینی استقبال یا عدم استقبال مردم از یک کار هنری به دغدغه‌ی اصلی سازندگان آثار بدل گردیده و آن‌ها را تا لحظه‌ی اکران ملتهب و نگران نگه می‌دارد.

## گردهمایی مسئول بسیج نوجوان پادگان ولیعصر «عج»

عکاس: سهیلا سادات حسینی



@totayar.ir اینستاگرام @sayes\_man

@totayar سروش و ایتا و آی گپ

تلفن: ۷۷۸۴۹۸۴۹

www.totayar.ir

www.sayesman.ir

## فیلم سینمایی دانکی و بیراهه های فرهنگی



سهیلا سادات حسینی: فیلم سینمایی دانکی محصول کشور هند در سال ۲۰۲۳ با کارگردانی راجکومار هیرانی و بازی شاهرخ خان، توانسته است با فروش های قابل توجه اش در سطح بین المللی نگاه ها را به خود جلب نماید. داستان فیلم ماجرای مهاجرت غیرقانونی چند هندی با گذر از کشورهای پاکستان و ایران و... به انگلستان را روایت می کند که نقش ایران در افزایش جذابیت آن غیرقابل انکار است؛ زیرا چالش برانگیزترین و دراماتیک ترین سکانس ها را به خود اختصاص داده است

آنجا که نیروهای مسلح و مدافعان کشورمان را که در سخت ترین شرایط به محافظت از مرزها پرداخته و با بیشترین تهدیدات مواجه هستند و بخش اعظمی از امنیت مان را مديونشان هستیم، انسان های وحشی ای که اول به مردم سرزمین خودشان رحم نمی کنند و بدون هیچ قانونی به قتل عام کوله بران می پردازند و بعد به صورت بیمارگونه جهت تفریح، مهاجران را هدف گلوله هایشان قرار می دهند به تصویر می کشد. مخدوش کنندگان چهره ی کشورمان حتی به این موارد هم بسنده



دو ماه پیش و با منتشر شدن پوستر جنجال برانگیز سریال دفتر یادداشت با محوریت همان تفکرات قدیمی، اظهارنظرهای بسیاری متأثر از آن و بازیگری رضا عطاران صورت گرفت. سخنانی عجولانه که فراتر از جذب مخاطب به شایعات تقابل شبکه نمایش خانگی با تلویزیون دامن زد؛ زیرا افراد فرصت طلب برای رسیدن به اهدافشان به هر وسیله ای مستمسک می شوند. هر چند رقابت در هر زمینه ای امری بدیهی بوده و موجب رشد می گردد اما این اصلاً به معنای حذف یکی برای بقای دیگری نیست.

آن ها در روایاتشان شبکه نمایش خانگی را پیروز این میدان می نامیدند و تخم نفاق و تفرقه افکنی را کاشته و آبیاری می کردند. اما با انتشار دو قسمت از این مجموعه، قلم ها از حرکت ایستادند و دیگر نام آن نیز به گوش نمی رسد. حال باید پرسید کجایند آن فتنه گران و اکنون منتظر کدام خبر هستند تا دوباره در زمین فتنه کنند. عملی که خداوند در آیه ی ۱۹۱ سوره ی بقره آن را از قتل بدتر شمرده «وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» و در آیه ی ۲۱۷ همان سوره «وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ» آن را از قتل نیز بالاتر دانسته است؛ زیرا فتنه افکنی محیط نامساعدی را ایجاد می کند که موجب شک، تردید و گناه گمراهی مردم می گردد و البته که بندگان بدان وسیله آزمایش شده و غربال می گردند. امید است خداوند در تشخیص حق از باطل یاریگرمان باشد.



نمی کنند و ایرانیان را متعرض به نوامیس دیگران نشان می دهند.

آن وقت یکی از متولیان فرهنگ کشورمان آقای محمد حسام پور، معاون پایش و نظارت ساترا به نقل از خبرنگار مهر می گوید: "ساترا در راستای صیانت از منافع ملی، عدم انتشار فیلم مذکور را به رسانه های صوت و تصویر فراگیر اعلام کرده است." و با این موضع گیری همه را شگفت زده می کند که صیانت از منافع ملی در مقابل چه کسی باید صورت گیرد؟! آیا مردم نباید از این دشمنی ها آگاه گردند؟! مگر رهبر انقلاب اسلامی فرمودند: "بصیرت افزایشی و بیدارگری مستمعین؛ بالاترین چیزها است" (۱۱/۱/۱۳۹۵) و در توضیح بصیرت نیز فرمودند: "بصیرت این است که شما بدانید با چه کسی طرفید، بدانید که او درباره ی شما چه فکری دارد، بدانید که اگر چشم خودتان را بستید و فکر نکردید، ضربه خواهید خورد" (۲۶/۸/۱۳۹۵). "درحالی که اگر بصیرت داشته باشیم، اگر اهداف دشمن را بشناسیم، این جوری گول نمی خوریم" (۶/۳/۱۳۹۵)).

این طور به نظر می رسد که قدم زدن در بیراهه های فرهنگی برای مسئولینش به چرخه ی تکرار افتاده است. چنین صیانتی باید در سطح بین المللی و برای کشورهای دیگر صورت گیرد نه برای مردمی که خودشان در ایران

نمی کنند و ایرانیان را متعرض به نوامیس دیگران نشان می دهند.

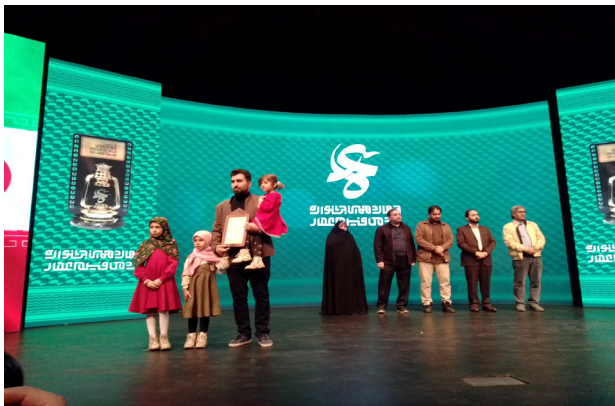
آن وقت یکی از متولیان فرهنگ کشورمان آقای محمد حسام پور، معاون پایش و نظارت ساترا به نقل از خبرنگار مهر می گوید: "ساترا در راستای صیانت از منافع ملی، عدم انتشار فیلم مذکور را به رسانه های صوت و تصویر فراگیر اعلام کرده است." و با این موضع گیری همه را شگفت زده می کند که صیانت از منافع ملی در مقابل چه کسی باید صورت گیرد؟! آیا مردم نباید از این دشمنی ها آگاه گردند؟! مگر رهبر انقلاب اسلامی فرمودند: "بصیرت افزایشی و بیدارگری مستمعین؛ بالاترین چیزها است" (۱۱/۱/۱۳۹۵) و در توضیح بصیرت نیز فرمودند: "بصیرت این است که شما بدانید با چه کسی طرفید، بدانید که او درباره ی شما چه فکری دارد، بدانید که اگر چشم خودتان را بستید و فکر نکردید، ضربه خواهید خورد" (۲۶/۸/۱۳۹۵). "درحالی که اگر بصیرت داشته باشیم، اگر اهداف دشمن را بشناسیم، این جوری گول نمی خوریم" (۶/۳/۱۳۹۵)).

این طور به نظر می رسد که قدم زدن در بیراهه های فرهنگی برای مسئولینش به چرخه ی تکرار افتاده است. چنین صیانتی باید در سطح بین المللی و برای کشورهای دیگر صورت گیرد نه برای مردمی که خودشان در ایران





*Video report of  
Ammar Film Festival  
Soheila Sadat Hosseini*





# فرهنگ و هنر دفاع از کیش و ملت



اقلیان کشیدن یعنی هاروی عرشه گشتی اسرائیلی



Kaktoos-Tanz  
@KAKTOOS\_TANZ



### آسیب مغزی نظامیان آمریکا

سنتگام اعلام کرد که در حال انجام معاینات و ارزیابی میزان آسیب مغزی وارده شده به تعدادی از نظامیان آمریکایی است که در جریان حمله موشکی گروه مقاومت اسلامی عراق (به پایگاه عین الاسد آسیب دیده‌اند).



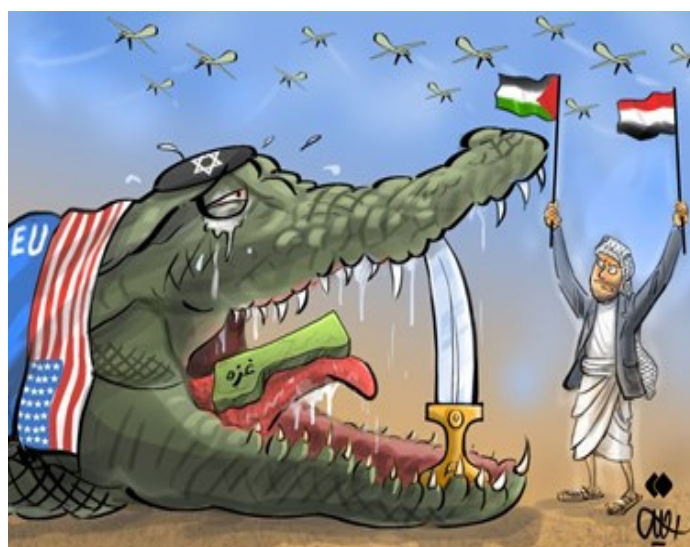
Kaktoos-Tanz

کاریکاتور از م سجاد گیل پور

کاریکاتور از علیرضا ذاکری



کاريکاتورها از محمدعلي رجبي



والدین که خود مستاصل شدند، به چشمهای کودکان خود می نگرند که خیره به این تلویزیون نگریستن و این تولدی بسیار متمولانه را شاهد هستند. آیا حسرت به دل نخواهند ماند؟ آیا والدین با این شرایط اقتصادی توان برگزاری این مجالس را دارند؟

کانال دوباره عوض می شود، اینبار تبلیغ روغن مایعی است که همچنان در خانه های رویایی مادر در حاسرخ کردن ماهی، مرغ، میگو، ناگت و شنپسل است.



سفره ای برای کمتر از ده نفر با پنج نوع غذای متنوع که شاید هر کدام آرزویی برای بسیاری از خانواده ها کوچک و بزرگ شده است.

انسان هایی که در حال گذران اوقات فراغت در کنار خانواده هستند باید صحنه هایی را ببینند که همگی آنها دردآور است.

جز تحمل دیدن این تبلیغات چاره ندارند، اگر هم قصد کنند شبکه کودک را انتخاب کنند دوباره مواجه می شوند با تبلیغ پفک و چیپس در همان خانه ها که با هیجان های کاذب بچه ها را به خوردن و ترغیب می کنند و پدر و مادرها را در معذورات بیشتر از قبل قرار می دهند یا بلافاصله تبلیغات پاستیل را در وسط باغ شخصی خانه شان نشان می دهد که حالا بعد از همه چیز در کنار خانواده در این فضا بخوریم. اگر نتوانند بخورند و بخورند چه احساسی تجربه می شود؟ چند درصد مردم چینی

## آموزه های من: تبلیغ فخر از تلویزیون



یک خانه سفید بزرگ با آشپزخانه ۵۰ متری با کابینتهای فاخر با وسایل تماماً لوکس گران قیمت را می بینیم که ناگهان پسر و دختری کوچک از حیاط وسیع که پنجره های بزرگ خانه بدان مشجر است، دوان دوان به وسط خانه می آیند و با خنده و شادی با لباسهایی که در باغ موجود در حیاطشان کثیف کرده اند را مادر به داخل ماشی لباسشویی می اندازد.

تبلیغاتی که در ذهن مخاطب این پرسش را مطرح می کند که چند درصد مردم ایران در این خانه هستند؟ این خانه های رویایی کجاست؟ چرا اینقدر خانه هایمان محقر است؟

ترویج و تشویق به تجملات ابتدایی ترین نکته در این تبلیغات است. ذهن مخاطب قبل از تفکر به نوع محصول که در حال تبلیغ است، در این اندیشه فرو می رود که مگر می شود؟ آشپزخانه اینها از کل خانه ما بزرگ تر است. کانال را که عوض کند باز تبلیغ جشن تولد یک کودک است که جدا از وجود همین نوع خانه و کاشانه، با بسیاری از دوستانش در خانه جمع شدند. اتفاقی که در غالب خانه های طبقات متوسط هم امکان پذیر نیست.



مگر ترویج فرهنگ از همین طریق نهادینه نمی شود. غیر از این است که با اصلاح به اصطلاح فرش قرمز جشنواره فجر که تقلیدی بود از جشنواره های غربی اصلاح شد. به علت اثر گذاری نبود.

جالب این است که تبلیغات در شبکه پویای کودکان با اهدا جوایز نقدی رونق گرفته تا فرزندان کتاب خوان شوند. آیا اینگونه درست است؟

بیاییم با نظارت دقیق به کلیپهای تبلیغاتی بداد فرهنگ برسیم.

فاطمه محمودی



درآمد و خانه های اینچنینی دارند؟ کمتر از ۲ درصد سفره ای برای کمتر از ده نفر با پنج نوع غذای متنوع که شاید هر کدام آرزویی برای بسیاری از خانواده ها کوچک و بزرگ شده است.

انسان هایی که در حال گذران اوقات فراغت در کنار خانواده هستند باید صحنه هایی را ببینند که همگی آنها دردآور است.

جز تحمل دیدن این تبلیغات چاره ندارند، اگر هم قصد کنند شبکه کودک را انتخاب کنند دوباره مواجه می شوند با تبلیغ پفک و چیپس در همان خانه ها که با هیجان های کاذب بچه ها را به خوردن و ترغیب می کنند و پدر و مادرها را در معذورات بیشتر از قبل قرار می دهند یا بلافاصله تبلیغات پاستیل را در وسط باغ شخصی خانه شان نشان می دهد که حالا بعد از همه چیز در کنار خانواده در این فضا بخوریم. اگر نتوانند بخردند و بخورند چه احساسی تجربه می شود؟ چند درصد مردم چینی

درآمد و خانه های اینچنینی دارند؟ کمتر از ۲ درصد مسأله این است که تلویزیون جمهوری اسلامی چارچوب بگذارد بهتر نیست؟

در یک برهه ای از زمان با اشارات رهبری از تبلیغ کتابهای کمک آموزشی جلوگیری شد. شاید این سوال به ذهن متبادر شود، مگر نامگذاری سالهای متمادی توسط رهبری بنام مصرف گرایی کفایت نمی کند؟

۴) فلسفی که حدود سنین ۲۰-۱۵ است.

۵) ایروونیک که حدود ۲۱ سال به بالا اتفاق میفتد.

به هر ترتیب ما به عکس زیر خیلی معنقدیم.



مهارت های مورد نیاز برای یادگیری درک کردن عبارتند از به خاطر سپردن، درک کردن، تجزیه و تحلیل، ارزیابی، به کار بردن تا فهم آن مطلب ایجاد گردد. اکثر بچه ها این مهارت ها را خیلی زود در زندگی به دست می آورند. مهارت های تفکر نیز می تواند زیر این چتر قرار گیرد.

## سطوح فهم و ادراک

بالاترین سطح درک اغلب خرد در نظر گرفته می شود. خرد شامل بینش عمیق، همدلی و توانایی به کارگیری دانش به گونه ای است که به نفع خود و دیگران باشد. این شامل درک کل نگر از موقعیت های پیچیده و توانایی قضاوت صحیح است.

بد نیست بدانید که دانش نیز سطوحی دارد که اولین آن بازتولید و سپس کاربرد دانش است تا به مرحله ی تفکر استراتژیک و نهایت انتقادی برسیم.

## لحظه ای با دکتر: فهم و درک کردن؟

### درک کردن

لغت نامه دهخدا

درک کردن . [ د ک د ]  
(مص مرکب) دریافتن . (یادداشت مرحوم دهخدا).  
فهمیدن . فهم کردن . و رجوع به درک شود.

فهم در هر جا معنای متفاوتی دارد. مانند عکس بالا که در فرهنگ لغت آن را نشان می دهد. اما به طور کلی فرایند به دست آوردن بینش در مورد خود یا دیگران یا درک معنا یا اهمیت چیزی، مانند یک کلمه، مفهوم، استدلال یا رویداد خیلی اوقات معنا می شود. درک مطلبی که بسیار با به دلهره برای فهم همراه بوده است درک فرد درددار که نمود ان برای متخصصین در جلسات مشاوره و روان درمانی است به درک فرآیند تشخیص ارتباط بین رفتار مراجع و محیط، تاریخچه، استعدادها، انگیزه ها، ایده ها، احساسات، روابط و شیوه های بیان مراجع بر می گردد. در نوشته های فلسفی، درک به قوه ی سازماندهی و تفسیر اطلاعاتی که از حواس به دست می آید و بر خلاف عقل یا دلیل است، اطلاق می شود.

بر اساس این تعاریف برخی طبقاتی از درک را دسته بندی نمودند که بر مبنای نوع تفاهم است.

۱) سوماتیک که از بدو تولد تا حدود ۲ سالگی است و هدف اصلی تسلط بر فعالیت های تقلیدی (کپی برداری) است.

۲) اسطوره که حدود ۷-۳ سالگی است و هدف اصلی تسلط بر زبان شفاهی است.

۳) عاشقانه که حدود سنین ۸ تا ۱۴ است.

البته می توانیم سطح درک را تحت عنوان هرم یادگیری اینگونه تبیین کنیم.

سطح ۱ - درک شناختی.

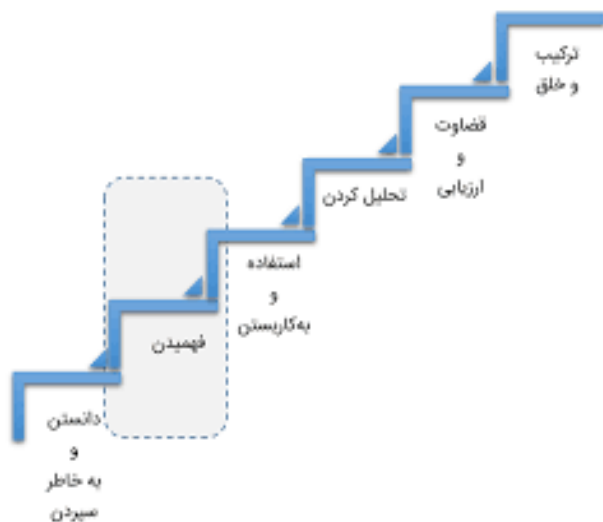
سطح ۲ - شایستگی پایه.

سطح ۳ - تسلط بر اصول.

سطح ۴ - فراتر از اصول.

سطح ۵ - طرز فکر بهبود یافته که مستمر است.

یا در کتابهای تربیتی و رشد چنین مراحل از سطوح را مشاهده می کنیم.



برای تفسر بهتر این موضوع باید به این سوال پاسخ دهیم که آیا درک بهتر از دانستن است؟

دانستن و درک مفاهیم مرتبط هستند، اما یکسان نیستند. هر کدام یک حالت ذهنی متمایز هستند که شامل درک شناختی می شوند: دانستن ایستا است، به حقایق مجزا اشاره می کند، در حالی که درک فعال است، توصیف کننده توانایی تجزیه و تحلیل و قرار دادن آن حقایق در زمینه برای تشکیل یک تصویر بزرگ است.

فهم نوعی دانش است

به نظر می رسد در میان فیلسوفان علم یک اجماع کلی وجود دارد که فهم نشان دهنده گونه ای از دانش است، اما تقریباً هر معرفت شناس بزرگی که به طور جدی در مورد فهم فکر کرده است، این ادعا را رد کرده است. در مقابل این جریان غالب در معرفت شناسی، معتقدیم که درک در واقع نوعی دانش است: برای مثال، درست مانند دانش، درک شفاف نیست و می توان آن را دریافت کرد. سپس در نظر می گیریم که چگونه کنش روان شناختی «به دست آوردن» که به نظر می رسد ویژگی درک است، با آن نوع کنش روان شناختی که اغلب معرفت را مشخص می کند، متفاوت است.

بسیاری معتقدند که فهم هدفی ارزشمندتر از دانش گزاره ای برای تأمل نظری است. حتی برخی ادعا کرده اند که بر خلاف دانش، درک همیشه ذاتاً ارزشمند است.

در این نوشتار، هدف فقط نشان دادن این است که یک ارزش اساسی در درک وجود دارد و آن این است که وقتی دانش به فهم کمک می کند، این ارزش اساسی را به طور بیرونی از درک می گیرد.

بنا بر این تفاسیر پس از تمایز دو نوع فهم، یعنی درک غایت شناختی و غیرغایت شناختی، به این نتیجه خواهیم رسید که درک غایت شناختی بیش از درک غیر غایت شناختی از این ارزش اساسی برخوردار است. در ادامه این مطلب با شرح دقیق تر فهم و درک به بیان و شرح استدلال هایمان علیه ارزش ذاتی دانش خواهیم پرداخت. ادامه دارد

دکتر یاسر اصلانی

## Martyr Soleimani revived the Resistance Front and its strengthening must continue



In the Name of God, the Compassionate, the Merciful

We are grateful to God for gifting this worldly reward to this outstanding figure, Martyr Soleimani, every day before our eyes. What you are witnessing — the spreading and propagation of his name and memory — is this honorable man's worldly reward. We cannot even imagine or fathom what kind of reward he will receive in the hereafter. This is just his worldly reward.

I imagine that from the day he was martyred and continuing up until today, Martyr Soleimani's name, his memory, and his characteristics have spread among the people many times more than during his lifetime. This is the same thing that someone once said, “‘Martyr Soleimani’ is more dangerous for us than ‘Qasem Soleimani!’” The other side had said this. They were right. That truly is the case. So, not only has the dust of forgetfulness not settled on this martyr, his splendor, brightness, and lucidity have increased every day, and God willing, this will continue to increase even

more. This is God's grace.

Why did this happen? I believe it is because of Martyr Soleimani's sincerity. This is the same thing that is often difficult for people. We do things, but the spirit of the work that we do lies in sincerity. The work that was undertaken by this martyr truly had this kind of spirit in it. He truly worked with sincerity. We would sense this when we communicated with him about his work. There was no showing off, pretentiousness, or egoism in his work. He worked for the cause of God. His actions were for the cause of God. I believe it was his sincerity that made his worldly reward so apparent.

We observed such a thing in Imam Khomeini (ra) as well. He was the same. Three or four days after Imam Khomeini had been buried, a large meeting was held in his shrine. The shrine was barely anything at that time. They had just enclosed it with a fence. We went there. I went with a helicopter. As I stared down at the desert there — that section has been built now, but it was mostly a desert back then — I saw the crowd walking there on foot! Who was taking them there? What was it that appealed to them so much that it drew them there? I said it was Imam Khomeini's sincerity that drew those people there. And it was the same with our dear martyr. He was a sincere man.

Now, she [Zeinab Soleimani] asked me to give her a word of advice. Very well, this is my advice. Be sincere in the things you do. In other words, don't let your egoism interfere with your intentions and your actions. Sincerity means [working] only

for God. Wherever you have uncertainties about your egoism, distance yourself from that. In other words, it is better for a person to step away from a task rather than to do it in order to be seen. This is one point, the point about his sincerity.

One point about the value of Martyr Soleimani's work, which has been and continues to be spoken about, is his role in reviving the Resistance Front in the region. This is a point that needs to be paid attention to. Of course, if someone is to speak about this, it should be spoken about correctly. Martyr Soleimani has played an important role in reviving the Resistance Front in the region, a very important role.

Sometimes we see there is a resistant group in a region. Well yes, these existed before Martyr Soleimani as well. But there is a time when a front is created. This is what we always wanted. If the opposing side creates a front, this side must also create a front. If it weren't for this front, Gaza would not have been able to resist all this time. This Resistance Front gives strength to all aspects of the issue. If, for instance, four or five different groups unite, their power and strength will be more than five times as much as each individual group alone. A new identity will emerge. This new identity is very important.

Martyr Qasem Soleimani played a significant role in this matter, and he worked very hard for it. People had seen his presence in the mountains of Syria, his fearlessness, and him moving toward danger. This is very important, but the main significance is that these trips, his

presence, and these efforts were able to revive and strengthen the Resistance Front.

May God exalt his rank. He pursued this work with forethought, with resourcefulness, with wisdom, with a moral behavior, with energy, and with endless effort. And this was and is very important. I hope that this movement continues by the will of God. Of course, Mr. Qaani [Commander of the IRGC Quds Force] is truly and honestly moving very well. Praise God, his endeavors are very good. This path of strengthening the Resistance Front, which Martyr Soleimani was very active in and very outstanding at, should be continued by the will of God.

May God protect all of you and his wife as well. She also played a role in Martyr Soleimani's orientation and his motivation. About 20, or maybe 23 or 24 years ago, we prayed in this yard along with approximately 20 of the IRGC commanders. I then sat on the stairs and delivered a very warm, appealing speech. I hadn't planned it beforehand. It was Almighty God speaking! It was my voice but God's words. It was a very extraordinary meeting, and it had a great impact.

After the meeting, a few of those people came to me, and one of them was Haj Qasem. He came and quoted a sentence from her [his wife] and said, "My wife says this." It was similar to the things I had said in that meeting. I noticed how influential a wife is. In other words, this woman had influenced Haj Qasem. [So,] she also shares in Haj Qasem's efforts. Enduring the deprivations they faced,

besides the family's deprivations — such as the absence of a husband and a father — is very important. It is very important to tolerate such things, and she tolerated them.

May God reward you, bless you, and protect all of you. May you be successful and assisted [by God], God willing.

## Lady Fatimah Zahra (pbuh), the best role model







@sayesman

# Understanding



**culture, our art**